# رمز جاودانگی حماسه عاشورا

محمداسحاق فیاض


بسم الله الرحمن الرحیم

# رمز جاودانگی حماسه عاشورا


نویسنده:

محمد اسحاق فیاض کابلی



ناشر چاپی:

مجهول ( بی جا ، بی نا )

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# رمز جاودانگی حماسه عاشورا

## مشخصات کتاب

نویسنده : محمد اسحاق فیاض

ناشر : محمد اسحاق فیاض

## چکیده

اکثر مکاتب فکری از سه ویژگی تولد، اوج و فرود بیرون نبوده اند، روزگاری حرفی برای گفتن داشته اند و به مرور روزها با چالش های فکری مواجه شده اند، دلیل آن این است که این گونه مکاتب به کمال نرسیده اند و طرح نو آنها به حقیقت نپیوسته است.حماسه عاشورا، یک مکتب فکری است که تقریباً ۱۴۰۰ سال هم چنان زنده و جاوید مانده و در هر زمان حرفی نو و طرحی نو برای جامعه بشری دارد. بر مظلومیت حسین (ع) و شهیدان کربلا تاکنون ده ها میلیارد انسان در طول ۱۴۰۰ سال اشک ریخته اند.با آن که در جهان حوادث دهشتناک تر از حادثه عاشورا رخ داده است، کسی برای آن اشک نمی ریزد و در سینه تاریخ دفن است. اگر به حوادث عاشورا با دید کمّی نگاه کنیم، حوادث آن اندک است، ولی اگر به آن از نظر کیفی و معنوی بنگریم؛ یعنی هدف پاک باختگی، عملکرد و... تاکنون در جامعه بشری فاجعه هولناک تر از حادثه عاشورا رخ نداده است.جاودانگی حماسه عاشورا در یک چیز نهفته است و آن «هدف متعالی» است.

## مقدمه

اکثر حوادث و حوزه های فکری و مکتب های انسانی از سه ویژگی تولد، اوج و فرود بیرون نیست و این حکایت از ناماندگاری این دیدگاه ها می کند، به عنوان نمونه،دیدگاه های کنفوسیوس، مانی، مزدک، اومانیسم، اگزیستانسیالیسم، کمونیسم و... وقتی ظهور خود را آغاز کرده اند، موج تازه ای در میان انسان ها پدید آورده اند و تحوّل در اندیشه انسان ایجاد کرده اند. طرح نو در انداخته و حرفی برای گفتن داشته اند، اما این موج و طوفان که سنگرها و قله های فکری و عقیدتی انسان ها را فتح می کرد، برای همیشه ماندگار نمانده و به مرور ایام با چالش های

فکری و انتقادهـای شدیـد مواجه گردیـده است.اگر مکتبی و طرز فکری در برابر چالش های به وجود آمـده زمان خود پاسـخ گو باشـد، دوام می یابـد و نشـان می دهـد که در این برهه از زمان نیز حرفی برای گفتن دارد. اما اگر از پاسـخ به چالش های فکری خود عاجز ماند، مرگ چنین مکتب و طرز فکری آغازشده است، حرف نو برای زمان خود ندارد، تکرار دلایل گذشـته جز ملال دستاوردی ندارد و تاریخ مصـرف این اندیشه به پایان رسـیده و باید در سـینه تاریخ مدفون گردد.ویروس مرگ آور ایـن طرز نگرش هـا در این است که از رسـیدن به حقیقت عـاجز مانـده انـد، به کمـال نرسـیده انـد و طرح نـو آنـان به حقیقت نپیوسته، زیرا طرز فکری ماندگار است که به حقیقت برسد و به حقیقت جاودانه تبدیل گردد. وقتی چنین شد، در جمود تکرار مکررهـا گرفتـار نمی شود، بلکه پنجره سبزی است که مسـتقیماً به حقیقت گشوده می شود، چشـمه زلالـلی می شود که عطش کمال جویی انسان را سیراب می کند و چنین ویژگی جز در ادیان و مکاتب توحیدی یافت نمی شود.حماسه عاشورا خود یک مکتب فکری است که در سال ۶۱ (ه.ق) امام حسین ویارانش و اهل بیتش در کربلا آفریدند، اینک که تقریباً یک ۱۴۰۰ سال از آن می گذرد،هنوز هم جدید است و در هر زمان حرف و طرحی نو دارد. طبع نوگرا و تکثر طلب انسان،هیچ گاه تاکنون از درس ها، عبرت ها، پیام ها و طرز نگرش مکتب ِ حماسـی عاشورا خسته نشده است. و راستی این مکتب چه حرفی در هر زمان برای گفتن دارد و سرّ این جاودانگی در چیست؟ و عاشورا چند چهره دارد؟ به قول استاد مطهری:«حادثه عاشورا دو

چهره دارد: یکی سیاه و دیگری سفید. یک نوع پستی و لئامت در صفحه سیاه دارد، اما آیا تاریخچه عاشورا فقط رثا است؟ نه، صفحه ای دیگر دارد که همه اش افتخار و حماسه است... حسین یک تن نیست که سرش را جدا کردند، حسین یک مکتب است و بعد از مرگش زنده تر می شود».و نیز حادثه عاشورا با آن که نفس حادثه ویژگی های یک طرز تفکر را ندارد،جاودانگی خود را حفظ کرده است. ده ها میلیارد انسان شیفته و شیدا در طول تاریخ این حادثه هر سال، بر مظلومیت حسین و شهیدان کربلاـ اشک ریخته اند، اگر قطره های این اشک ها در یک زمان جمع گردد، طوفانی عظیم و سیلاب سهمگین به پا خواهد کرد که جهان را به غرقاب می کشاند. حال آن که در جهان حوادث بسیار هولناک تر و دهشتناک تر از حادثه عاشورا رخ داده است، اما چرا قطره اشکی بر ماتم این حوادث از چشم انسان نمی ریزد؟ اسکندر کبیر، در حمله به مشرق زمین و چنگیزخان مغول در حمله به آسیای میانه و ایران چه جنایت هایی را که مرتکب نشدند، اما کدام چشمی بر ویرانه های تمدن بین النهرین در حمله اسکندر و قتل عام های شهرهای سمرقند، بامیان، بلخ، کابل،نیشابور و... در فتنه مغول، اشک ریخته اند؟مگر، جنگ های صلیبی فراموش شده است که در یک حادثه از این جنگ ها قساوت و بی رحمی انسان چنان به اوج خود رسید که سیلاب خون از کوچه های شهر بیت المقدس جاری گردید. از فجایع جنگ های جهانی اول و دوم چندان فاصله نگرفته ایم. در جنگ جهانی اول و دوم ده ها میلیون نفر کشته شدند، جهان به ویرانه ای تبدیل گردید. قساوت انسان بالاتر از آن می شود که

در بمباران اتمی «ناکازاکی» و «هیروشیما» صدها هزار نفر انسان بی گناه در یک لحظه به کام مرگ فرستاده شد.در حالی که در حادثه عاشورا ۷۲ تن به شهادت رسیدند، از جمله پنج کودک و نوجوان و یک زن. بر پیکر شهیدان کربلا اسب تاختند، خیمه گاه را تاراج کردند و آتش زدند و زنان و کودکان را به اسارت بردند، ولی چرا این حادثه در طول تقریباً ۱۴۰۰ سال قلب جامعه بشری را به رقت آورده و بر شهیدان کربلاـ و اسارت اهل بیت اشک ریخته اند؟قطعاً جهان و انسان ها فجایع هولناک تر از حادثه کربلا از نظر کمّی دیده اند، ولی اگر به جنبه کیفی و معنوی حادثه عاشورا بنگریم؛ یعنی هدف، پاک باختگی، عملکرد و... باید اعتراف کرد که تا کنون در تاریخ بشر فاجعه ای هولناک تر از حادثه عاشورا رخ نداده است و رمز جاودانگی حماسه عاشورا نیز در بعد معنوی آن نهفته است. به همین جهت شخصیت امام حسین (ع) نیز غیر از شخصیت هایی است که در تاریخ حادثه آفریده اند.به قول استاد شهید مطهری:«حسین (ع) یک شخصیت حماسی است، اما نه آن طوری که جلال الدین خوارزمشاهی یک شخصیت حماسی است و نه آن طورکه رستم افسانه ای یک شخصیت حماسی است. حسین (ع) شخصیت حماسی است، اما حماسه انسانیت، حماسه بشریت،... حادثه حسین، روح حسین، همه چیز حسین هیجان است، تحریک است،درسی است.»در بسیاری از حوادث و رویدادهایی که در جهان رخ می دهد، اتفاق هایی است که در اصل برنامه و طرح نیست، بلکه در روند حوادث رخ می دهد، اما حوادث عاشورا برمبنای اتفاق نیست، امام حسین(ع) وقتی با اهل بیتش از مدینه به سوی مکه حرکت

می کنـد، علاوه بر چهارچوبه کلی هـدف، برنامه های حوادث آینـده را نیز در نظر دارد. شبی قبل از حرکت کنار مرقد جدّش در مدینه به راز و نیاز مشغول بود، پیامبر گرامی اسلام (ص) را در خواب دید: فرمود:«یا حسین اُخرج الی العراق فان ّاللّه قد شاء ان یراک قتیلا؛ ای حسین بسوی عراق حرکت کن که خداونـد می خواهـد تو را کشته ببیند».این خود، نوعی الهام حادثه خونین کربلاـ برای او بود و اسارت اهـل بیت هم تکمیل کننـده همین نقش خونین است. آغاز این حرکت از یک «نه» شروع می شود و به اسارت و خرابه نشینی اهـل بیت امـام حسین (ع) پایـان می پـذیرد. مجموع این حوادث، تفکر جاودانه ای را به وجود آورده کـه بشـر برای همیشه از آن درس می آموزد.جـاودانگی حمـاسه عـاشورا در یـک چیز نهفته است و آن «هـدف متعالی در حماسه عاشورا» است.

## هدف متعالی در حماسه عاشورا

بعضـی وقت ها به انگیزه نیز «هـدف» اطلاق می شود، ولی مراد از «هـدف» در این جا «مرام» و «مقصود»ی است که در نهایت، نهضتی و یـا مکتبی بـدان نائـل می آیـد. از این جهت «نفس هـدف» و «شیوه هـدف» نقش اساسی را در جـاودانگی جریان و عملکرد دارد.بسیاری از اهداف سرشت نیک و انسانی دارند، شعارهایی را که برمی گزینند نیز انسانی است و رهایی انسان را از یوغ اسارت و استبداد نویـد می دهـد، ولی شیوه های عملکردشان خود فاجعه های بزرگ را برای انسان آفریده است؛ مثلاً مارکسیسم که به حمـایت از قشر مظلوم و زحمتکش دهقـان و کـارگر برخـاست و ایـدئولوژی مکتب خود را در حمـایت از پرولتاریـا قرار داد، اهـداف انسـانی و شعارهای انسانی داشت.اما، آیا تصـفیه های خونین و قتل عام های اوایل پیروزی انقلاب اکتبر

۱۹۱۷ و جنایات هولناک استالین، با چنین اهداف سازگاری و هم خوانی داشت؟ ایجاد دیکتاتوری های سرخ در کشورهای بلوک شرق با زور نیزه و چکمه و اشغال افغانستان و کشتن نزدیک به یک میلیون نفر، با کدام اهداف انسانی و شعارهای انسانی مطابقت دارد؟نهضت فمنیسم، که از حقوق زنان و آزادی آنان دفاع می کرد، شعارهای نوید بخش را برای به دست آوردن حقوق زنان در محل کارشان و نیز در خانواده و حضور و سهم گیری مساوی آنان با مردان در جامعه و مقام های اجتماعی را سر می داد، امروز چه دستاوردی برای زنان دنیا به ارمغان آورده است؟ نتیجه این همه تلاش در طول این مدت، این شد که زن غربی، زن فمنیستی تبدیل به کالای بازاری شده است که هویت و شرافت و عفت انسانی خود را به دست تندبادهای هوس سپرده. خود تبدیل به کالا و متاع بازار گردیده و فقط وسیله لذت و استفاده جویی مردان در بازار مکاره شده است.بدین جهت در بسیاری از نهضت ها، قیام ها و مکتب ها ممکن است، شعارها انسانی باشد، اما عملکردها غیر انسانی. نیز ممکن است هدف ها انسانی باشد، اما در مسیر مبارزه به مسیری منتهی شود که نتیجه و دستاورد مصیبت بار و غمبار داشته باشد.بنابراین، سلامت هدف در گرو استراتژی صحیح، و استراتژی صحیح، در گرو عملکرد صحیح تا رسیدن به مقصود است و در پیچ و خم همین خط سیر است که هدف ها و مکتب های انسانی انگشت شمار می گردد.در کنار اینها مکتب هایی هستند که به تعالی انسان بالاتر از جهان مادی می اندیشد، چنین مکاتبی توحیدی و الهی است که مکتب و هدف حسین (ع) جزء

مکاتب و اهداف توحیدی و الهی به شمار می رود. امام حسین (ع) برای رسیدن به هدف، دو شعار و یا دو روش را انتخاب کرد که عبارت بود از: مبارزه با طاغوت و اصلاح امت جدش.

## شیوه مبارزه در حماسه حسینی

### مبارزه با طاغوت

#### اشاره

امام حسین (ع) مبارزه با طاغوت را با امتناع از بیعت و «نه» گفتن آغاز کرد، چهره یزید را افشا نمود، دعوت مردم کوفه را با فرستادن مسلم پاسخ داد و با حرکت از مکه به سوی کربلا به میعادگاه عشق رسید.

### امتناع از بیعت

نهضت و قیام امام حسین (ع) با «نه» آغاز می شود، درست مانند جدش رسول الله (ص) و دیگر انبیای الهی که رسالت و مبارزه خود را با «نه» آغاز کردند. همه انبیای الهی در برابر بت های بی جان که مظهر جاهلیت و شرک بود «نه» گفته اند و انسان هایی را که سر در برابر بت ها می ساییدند، آنان را از جمود جاهلیت رهانیده اند.(قولوا لا اله الّا اللّه تفلحوا) اولین ندایی که جزیره العرب را از شرک و بت پرستی و جاهلیت نجات بخشید و نور توحید در سراسر دنیا عالم گیر شد. زمان امام حسین (ع) دیگر زمان جاهلیت و بت پرستی نیست. انسان ها علناً در برابر بت ها سر به سجده نمی سایند، ولی بت های دیگری در جامعه اسلامی قد برافراشته است. این بت هابی جان نیست، بت های جان دارند و در رأس این بت ها و بتچه ها طاغوت است که دربتکده سبز شام لانه دارد.یزید، بزرگ ترین طاغوت عصر امام حسین (ع) است، این طاغوت هیچ تفاوتی بافرعون زمان حضرت موسی (ع) ندارد (اذهب الی فرعون انّه طغی) یزید هم سر به طغیان نهاده است.اینک خلیفه اسلام غرق در لهو و لعب است، شراب شربت سکرآور زندگی اوست،از سیاست چیزی نمی داند، با بوزینگان و رقاصان و زنان مغنّیه دمساز است.معاویه بن ابی سفیان هرچند که بر اریکه قدرت اسلام تکیه زده و از پیروزی ظاهری در صفین در برابر علی

(ع) سرمست است و از صلح با امام حسن (ع) دلشاد، ولی خداوند عذاب خود را در همین دنیا نیز در خانه او نازل کرده است. یزید سوهان روح معاویه شده است، نابخردی ها و هرزه گردی های او، کاخ آمال و آرزوهای معاویه را فرو می ریزند.حکومت موروثی بنی امیه طمع سیرنشدنی معاویه است. او توصیه های پدرش ابی سفیان را هر صبح و شام با خود زمزمه می کند که در خلوت جمع امویان گفت:«اکنون که قدرت و حکومت در دست شما افتاده است، آن را همچون گویی به یک دیگر پاس دهید و کوشش کنید که از دودمان بنی امیه بیرون نرود، من سوگند یاد می کنم به آنچه به آن عقیده دارم که نه عذابی در کار است و نه حسابی و نه بهشتی و نه جهنّمی و نه قیامتی».اینک که غیر از یزید، کس ِ دیگری ندارد، با کمال وقاحت و بی شرمی با زیر پاگذاشتن صلح نامه امام حسن (ع) زمینه را برای جانشینی یزید ابن معاویه فراهم ساخت.و امام حسین (ع) بزرگ ترین مانع تحقق آمال و آرزوهای معاویه است. به همین منظور معاویه سفری به مدینه کرد، تا رضایت مخالفان یزید را جلب کند. معاویه با امام حسین (ع) نیز ملاقات کرد و معاویه چه اوصافی را که برای یزید نتراشید، خیال می کردامام حسین (ع) نمی داند که در زندگی خانوادگی معاویه چه می گذرد، امام حسین (ع)پرخاش کنان در جواب معاویه گفت:«یزید را آن چنان که هست معرفی کن، یزید جوان سگ باز، کبوتر باز و بوالهوس است که عمرش با ساز و آواز و خوش گذرانی می گذرد، یزید را آن گونه که هست معرفی کن، و این گونه تلاش های

بی ثمر را کنار بگذار».سرانجام این گوی قدرت به یزید پاس داده شد و معاویه که در واپسین روزها علیل و افلیج شده بود، نگران هرزگی یزید بود. اگر معاویه پوستینی از اسلام را در کاخ سبزش برافراشته بود، اینک همین پوستین نیز زیر پای بوزینه و رقاصان یزید تکه تکه شده است. و همه چیز را با معیارهای جاهلی قبیله و میراث خونی می نگرد. وقتی سر امام حسین (ع) را بعد از حادثه عاشورا نزد او آوردند، از پیروزی قبیله بنی امیه بر بنی هاشم سرمست شد و سرود:«لعبت هاشم بالملک فلاخبر جاء و لا وحی نزل».- بنی هاشم با حکومت بازی کرد، در حالی که نه وحی نازل شده و نه خبری از وحی است.اینک چنین شخصی بر خلافت اسلام تکیه زده و می خواهد بر دستی که از مستی شراب مرتعش است، امام حسین (ع) دست بیعت بگذارد!یزید بدون کوچک ترین تردیدی می خواهد «حق» پنجه تسلیم در پنجه «باطل» بگذارد. شعور یزید به اندازه معاویه نیست، تا دریابد که چنین کاری شدنی نیست، امام حسین (ع) با بد بیعت کند!«... اکنون حسین در برابر دو نتوانستن قرار گرفته، نه می تواند خاموش بماند ومسئولیت جنگیدن باظلم را دارد، و نه می تواند فریاد کند، تنها مانده و با دست خالی بار مسئولیت ها بر دوش اوست، باید بجنگد اما نمی تواند. شگفتا بایستن و نتوانستن!»نتوانستن نیز او را از این بایستن معاف نمی کند، چه مسئولیت بر دوش آگاهی انسانی اوست. زاده حسین بودن اوست، پس چه کند؟ متولیان عقل و دین می گویند: «نه» و حسین می گوید: «آری».امام حسین (ع) به والی مدینه که مأمور بیعت گرفتن از امام برای یزید بود، پاسخ

«نه» می دهـد و این آغـازی می شود برای یـک حرکت و حمـاسه خونین و جـاودانه در تاریـخ و خود فریاد می زنـد:«الا و ان ّ الدعی بن الدعی قد رکزنی بین اثنتین. بین الذّله و السلّه، هیهات منّاالذّله؛ هان! حرام زاده، فرزند حرام زاده [عمرسعد] مرا بین مرگ و ذلـت قرار داده اسـت، امـا از مـا ذلـت و خـواری بـه دور است.»در آخرین لحظه و آخرین اتمـام حجّت نیز بر پیمـان و تصمیم خود استوار است و جواب دندان شکنی به عمر سعد فرمانده سپاه یزید در کربلا می دهد:«لا واللّه لا اعطیهم بیدی اعطا الـذلیل و لا افر فرار العبید».نه به خدا سوگند! مانند دست دادن ذلیل دست بیعت به شـما نمی دهم و چون بندگان فراری، پا به فرار نمی گذارم.

## هشدار به امت به خواب رفته

امام حسین (ع) در دوره ای بار امامت را بر دوش کشید که انحراف ها، کژی ها و بدعت ها کمر اسلام را شکسته بود، عصری که انـدیشه ها فلـج شده و سـلول های سـرطانی القائات «مرجئه» و «جبریه» در پیکر اسـلام در حال رشد بود. اسـلام از درون به تهی شدن پیش می رفت. اسلام ظاهری و اسلام حکومتی ملعبه دست معاویه بود.یاران نخستین پیامبر که حکومت توحیدی ده ساله پیامبر را در مدینه تجربه کرده بودند، به سه گروه تقسیم شده بودند: گروهی انحراف را تحمّل نتوانستند، فریاد کشیدند و کشـته شدند؛ مثل ابوذر، عمار، عبداللّه بن مسعود، میثم و حجر بن عدی.گروهی که بهشت را به جای آن که در جبهه جهاد به دست آورنـد، در کنـج امن ریـاضت و خلـوت می خواسـتند به دست آورنـد و گـوشه مسـجد خزیدند.دسـته سوم، از جهـاد و هجرت و بدر و اُحد و حنین و مدینه و... که

در کنار پیامبر افتخارهایی کسب کرده بودند، همه را در کاخ سبز معاویه به فروش رساندند.با شهادت حجر بن عدی نیروی انقلابی و مبارزی که علیه حاکمیت اموی مبارزه می کردند، به تحلیل رفت. سایه دهشت معاویه در سراسر سرزمین های اسلامی حکم فرما گشت. کوفه که روزگاری مرکز قدرت اسلام و خلافت علی بن ابی طالب (ع) بود،روحیه، شخصیت، هویّت انقلابی و مبارزاتی دوران علی (ع) را از دست داده بود.فرهنگ همکاری و تعاون میان امت اسلامی وجود نداشت، دیگر آن روزگاران گذشته بود که پیامبر اسلام (ص) همه افراد امت را مسئول هم دیگر می دانست: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته؛ تمام شما مسلمانان به منزله نگهبان یک دیگرید و همه شما نسبت به خودتان مسئولید».و دکتر جعفر شهیدی در کتاب تحقیقی قیام حسین (ع) می نویسد:«هر اندازه مسلمانان از عصر پیامبر دور می شدند، خوی ها و خصلت های مسلمانی را بیشتر فراموش می کردند و سیرت های عصر جاهلی به تدریج بین آنان زنده می شد، برتری فروشی نژادی، گذشته خود را فرایاد رقیبان خود آوردن، روی در روی ایستادن تیره ها و قبیله ها به خاطر تعصب های نژادی و کینه کشی از دیگری».در چنین شرایطی، امام حسین زنگ خطر را به صدا درآورد. وقتی آگاه شد که یزید بن معاویه خلیفه مسلمانان شده است، با تأسف اظهار کرد:«انّا للّه و انّا الیه راجعون و علی الاسلام السلام، اذ قد بُلیت الامّه براع مثل یزید؛فاتحه اسلام را باید خواند، زمانی که امت اسلام خلیفه ای مثل یزید داشته باشد».و نیز در مسیر راه در خطابه ای دیگر فرمود:«الا ترون ان ّالحق لا یُعمل به و ان ّالباطل لا یتنهی عنه».هدف از هشدارها و بیدارگری های

امـام حسـین نه آن بود که مردم را به قیـام سراسـری فرا خوانـد. زیرا جامعه ای که به خواب رفته، گوش ها کر و چشم ها کور است و تفکر و اندیشه به انجماد رسـیده، چگونه می تواند به قیام سراسـری و عمومی علیه حاکمیت سـیاه یزید دست براند.امام به دلیل تکلیف امامت، به مردم هشـدارهای لازم را داد، تا تلنگری باشـد بر پیکر چنین جامعه جامد و خموش. او هدف بزرگ تر، جاودانه تر برای زنده کردن دین جدّش دارد و چنین هشدارها، جز تلنگر نسبت به هدف مقدس و الهی او نیست.

## امام و حرکت به سوی مکه

حرکت امام به سوی مکه، در راستای تبیین هدف و آرمان بزرگی که دارد، تبلور پیدا می کند. «امت باید بداند که چرا حسین (ع) قیام می کند و هدف آن بزرگوار از نهضت چیست... اطلاع امت از هدف مقدس حسـین (ع) از یک طرف، خود به منزله اعلام خطر جـدّی است به آنـان که وضع فوق العاده و غیر عادی اجتماع را بـدین وسـیله دریابنـد؛ آن چنان وضـعی که فرزند امیرالمؤمنین (ع) هسـتی اسـلام و موجودیت قرآن را در معرض سـقوط می بینـد و برای نجـات آن ناچـار دست به آن نهضـت مقـدس و خونین می زنـد».آن روز که وسایـل ارتباط جمعی نبود، امام (ع) برای تبلیغ و تبیین هـدفش، بهترین زمان و مکان را انتخاب کرد، موسـمی که حاجیان از سراسـر عالم اسـلام به مکه می آینـد و ناگهان در روز عرفه حج را ناتمام می گذارد و به سوی کربلا حرکت می کند، تا به امت بفهماند که زنده کردن روح اسـلام و دمیدن خون در شـریان های اسلام و زنده کردن عدالت و سیره توحیدی رسول الله (ص) بزرگ ترین تکلیف الهی است که

از همـه تکـالیف بزرگ تر و مهم تر است. تکلیفی که علی (ع) پنـج سـال به خـاطر آن سـخت ترین شـرایط را متحمّـل شـد و خونش در محراب مسجد ریخته گردیـد. اینـک زمـان قربانی شـدن فرد دیگری است،تا خون در رگ های جامعه اسـلامی به جریـان افتـد و پاسـخی باشـد برای کسـانی که می خواسـتند دین شـان را به دور از نـبرد حق و باطـل و خطر مبـارزه سیاسـی و اجتمـاعی، در حرم امن الهی حفـظ کنند.عبـداللّه زبیر در ملاقاتی که با امام حسـین دارد، می خواهـد که چون خودش در حرم امن الهی پناهنده شود، امام حسین (ع) در جواب می گوید:«کشته شدنم در کربلا، پیش من از کشته شدنم در حرم محبوب تر است».

## امام و دعوت مردم کوفه

امام می دانست که این مردم با پدرش امام علی (ع) و برادرش امام حسن (ع) چه کرده است و این شـهر شهرت بی وفایی را با خود همراه دارد؛ با آن همه بنابر وظیفه ای که بر دوش دارد، مسـلم بن عقیل را می فرسـتد، تا پاسـخی باشـد برای دعوت های آن مردم، که بـا سـفیرش چه می کننـد.«زمـانی کوفه مرکز ارتش اسـلام بود و اگر امـام حسـین به کوفه نمی رفت امروز تمـام مورخین دنیا او را ملامت می کردنـد، چرا به آن جا نرفتی؟... از کوفی ها و مردم عراق شـجاع تر و سـلحشورتر وجود نداشت، در عین حـال همین مردمی که ۱۸ هزار بیعت کننـده داشت... چون زیـاد بن ابیه سال ها در کوفه حکومت کرده بود، آن قـدر چشم در آورده بود... به کلی احساس شخصیت خود را از دست داده بود».

## اصلاح امت جد

### اشاره

دومین شـعار یا استراتژی اساسی امام حسین (ع) «اصلاح امت جدش» بود. دروصیت نامه ای که به برادرش محمد حنفیه نوشته است، انگیزه قیام خود را اصـلاح امت جدّش معرفی می کند:«انّی لم أخرُج اشـراً و لا بَطِراً و لا مفسداً و لا ظالماً و انّما خرجت لطلب الاصـلاح فی امه جدّی؛ من نه از روی خودخواهی و سرکشـی و هوسرانی و نه برای ایجاد فساد و ستمگری به پا خاستم، بلکه هدف من از این حرکت اصـلاح امت جدم بوده است».امام حسـین (ع) اصلاح گری را در دو شیوه انجام داد: یکی امر به معروف و نهی ازمنکر و دیگری عمل و زنده کردن سیره پیامبر (ص) و علی (ع) بود.

## امر به معروف و نهی از منکر

ایـن که امـام حسـین (ع) اسـاس نهضت خـود را امر به معروف و نهی از منکر قرار داد،نشـان دهنـده این مطلب است که امر به معروف و نهی از منکر تـا چه انـدازه در اصـلاح،بیـداری، روشـنگری، سـلامت و بهـداشت روحی و روانی و فیزیکی، جـامعه اسـلامی نقش و اهمیّت دارد.اهمیت امر به معروف و نهی از منکر از نظر قرآن تا آن حد است که مسلمانان را بهترین امت می دانـد، چون امر به معروف و نهی از منکر می کنند:(کُنتم خیر امه اخرجت للناس، تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر)؛ شـما مسـلمانان بهترین امت هستیـد که به نفع بشـریت ظهور کرده ایـد که امر به معروف و نهی ازمنکر می کنیـد.»و قرآن امت های پیشـین را نکوهش می کنـد که چرا امر به معروف و نهی از منکر نکردند:(فلولا کان من القرون من قبلکم اولوا بقیه ینهون عن الفساد فی الارض الّا قلیلاً ممن انجینا منهم و اتّبع الذین ظلموا

و ما أُترفوا فیه و کانوا مُجرمین و ما کان ربّک لیُهلِکَ ٍالقُری بظلم و اهلها مُصلحون).پس چرا در میان امت های پیشین از شما مردمی دین دار پیدا نشدند که از فساد در زمین جلوگیری کنند، جز دسته ای اندک که ما نجاتشان دادیم و ستمگران نعمت ها و رفاهی را که بدیشان داده بودیم در راه فساد به کار گرفتند و گناه کار بودند و خدا هیچ قومی و اهل دیاری را در صورتی که نیکوکار و مصلح باشند، هلاک نمی کند».بنابراین امام حسین (ع) در انگیزه قیامش، انگشت روی اساسی ترین اصلی گذاشت که تداوم آن ضامن بقای اجتماع اسلامی بود و در راه زنده ماندن همین اصل حماسه خونین کربلا را آفرید.در کلمات کوتاهی که از امام حسین (ع) باقی مانده و در آن هدف و انگیزه های قیام و حماسه عاشورا بیان کرده، تأکید روی همین اصل و زنده کردن سیره جدش رسول الله (ص) دارد و از پاسخ به دعوت مردم کوفه، هیچ سخنی به میان نیاورده و در ادامه همان وصیت نامه آمده است: «اُرید أن آمر بالمعروف و انهی عن المنکر.»بدین ترتیب امر به معروف و نهی از منکر، یکی از اساسی ترین انگیزه های حماسه حسینی به شمار می رود؛ به خصوص در دوره ای که سنت و فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر از میان رفته و در جامعه اسلامی، افراد ناشایست تسلط یافته اند.جهان اسلام، حاکمی مانند یزید را تاکنون تجربه نکرده بود، او در حقیقت تاوان بی تفاوتی و تساهل و تسامح امت اسلامی در برابر امر به معروف و نهی از منکر بود و چه زیبا گفته است رسول اکرم (ص):«لتأمُرن بالمعروف

و لتنهُن ّعن المنكراً و يُسلّطُن ّالله عليكم شرارکم. فيدعواخيارکم فلا يستجاب لهم؛ امر به معروف و نهی از منکر کنيد وگرنه بـدان شـما، بر شـما مسلط می شونـد و وقتی خوبان شـما، شـما را می خوانند به آنها جوابی داده نمی شود».اينک که تنها امام حسين (ع) امر به معروف و نهی از منکر را فرياد می کنـد، بـدان (طـاغوت) فرصت را از مردم گرفته انـد، تـا خوبـان خـود را انتخاب کننـد. به همين دليل است که در آن زمان هم فرياد حسين بن علی (ع) ناشناخته ماند و هم قيامش. چنان که علی (ع) نيز در زمان خودش ناشناخته ماند و فقط چاه بود که صدايش را می شنيد: «غداًترون ايّامی و يُکشف لکم عن سرايری؛ [امروز مرا نمی شناسيد] فردا روزی خواهد آمد که مرا خواهيد شناخت».

## زنده کردن سيره جدش

در سال ۶۱ هجری قمری، پنجاه سال از حکومت اسلامی و توحيدی پيامبر اسلام (ص) در مدينه گذشته بود. مشکلاتی که از «سقيفه» آغاز شـد، بـدعت های فراوانی را در پی داشت، بعـد از ۲۵ سـال سـکوت، علی بن ابی طـالب (ع) کمتر از پنـج سال کوشيد تا ناهنجاری ها و بدعت ها را از چهره اسلام بزدايد، اما فتنه های جمل و صفين و نهروان،فرصت ها را با خود برد.سر منشأ اين بدعت ها و کجی ها نيز، تشکيلات ضد اسلامی اموی بود که با والی شدن معاويه بن ابی سفيان در زمان خليفه دوم، نفـوذ خود را در جـامعه اسلامی گسترش داد.بـا عمّـال ستمگری چون زيـاد بن ابيه، عمرو بن العـاص، سـمره بن جُنـدب و... حکومت سلطنتی تشکيل داد و چهره اسلام را وارونه ساخت. غـارت بيت المال، قتل و غارتگری، شکنجه و تبعيض نژادی، رقابت های قبيله ای، جعل حديث، تفسير

و تأویل آیات قرآن به نفع خود، تخدیر افکار عمومی، سب و دشنام علی (ع)، ترویج نظرات جبریه و مرجئه در میان مردم و... از جمله روش ها و بدعت ها و سنت های شومی بود که پس ازرحلت رسول اکرم (ص) و دوران معاویه، در جامعه اسلامی رواج یافت.علی (ع) که عمق فتنه را درک کرده بود، در همان زمان فریاد کشید. ولی گوش شنوایی پیدا نشد!«هان! بیمناک ترین فتنه ها بر شما از نظر من فتنه بنی امیه است، آن فتنه کور و تاریکی است که دامنه آن فراگیر و همگانی است و گرفتاری آن برای خواص [پیروان علی (ع)] است، بلای آن به کسی رسد که بینا و آگاه باشد و به هر کوری که بی تفاوت باشد،راه پیدا نکند.به خدا سوگند! پس از من بنی امیه را زمامداران بدی خواهید یافت، مانند شتر پیرو چموشی که با دهانش گاز می گیرد».امام حسین (ع) با شعار زنده کردن سیره رسول اللّه (ص) خط بطلان بر بدعت ها و کجی هایی که فتنه بنی امیه در جامعه اسلامی به وجود آورده بود، کشید. برای مردم یادآور شد که اسلام محمد(ص) آن نیست که معاویه در کاخ سبز شام، ردایش را وارونه به تن کرده و خلافت ملک موروثی نیست، تا به یزید میراث برسد. بلکه سیره رسول خدا (ص) و علی بن ابی طالب (ع) همان سیره حکومت ده ساله توحیدی در مدینه است.

## استراتژی عملی حماسه عاشورا

### اشاره

گفتیم که جاودانگی حماسه حسینی در هدف متعالی آن است و راهی را که برای رسیدن به هدف برگزید، نقش اساسی در جاودانگی حماسه عاشورا دارد. روش عملی امام عبارت بود از تربیت یاران و پاک باختگی در راه

هدف.

## تربیت یاران

هر نهضت و قیامی توسط افراد سازمان یافته به وجود می آید، کادر تشکیلاتی یک نهضت، نقش کلیدی در موفقیت ها و شکست ها دارد. به همین دلیل در نهضت های توحیدی پیامبران الهی در ابتدا سراغ کادرسازی و تربیت نیرو رفته اند، سپس مردم را به سوی توحید فرا خوانده اند. در حماسه عاشورا نیز امام حسین (ع) توانست نیروهایی را تربیت کند و افرادی را با خود همراه سازد که از جهت روحی، روانی، عقیدتی و جسمی برای انجام چنین حماسه ای آماده بودند.معمولاً افراد یک نهضت از میان افراد فعّال و جوان و از نخبگان جامعه انتخاب می گردد، ولی در حماسه عاشورا افراد گوناگون حضور دارند: زن، مرد، پیر، جوان و کودک.ولی همین نیروها طوری تربیت شده اند که به مرحله «یقین» رسیده اند، به راهی که برگزیده اند، باور دارند و به رهبر حماسه، به تمام معنا ایمان دارند.به قول ع.ص؛«هر قدر هدف ها عالی تر و عمیق تر و وسیع تر باشد، رهبر باید در تهیه نیرو و ساختن نفرات، رنج ها و صدمه های زیادتری ببیند و تمام کار را خود به عهده بگیرد...برای هدف های بزرگ، رهبر باید، انگیزه های بزرگ را به وجود بیاورد و مانع هایی را که در روحیه سربازانش خانه گرفته اند، بیرون بریزد.»واقعاً تربیت افرادی که برای هدف، شهادت و مرگ را انتخاب کنند دشوار است،زیرا مانع های دنیوی هرکدام سد بزرگی است که انسان ها را در خود گرفتار می کند، عشق به زندگی، عشق به جلوه های دنیا، عشق به فرزند و زن، عشق به اموال و ثروت، ضعف ها،ترس ها، منفعت ها و... هر کدام دام هایی اند که انسان را در خود اسیر می کند، به همین دلیل امام حسین (ع) می گوید:«الناس عبید الدنیا و الدین لعق علی السنتهم

یحطونه ما درّت معایشهم فاذا محصّوا بالبلاء قل ّ الدیّانون؛ مردم بندگان دنیایند و دین لق لقه زبانشان در زندگی است،زمانی که با پیشامدی امتحان شوند، دین داران کم اند».حقا که گذر از این همه موانع نیاز به تربیت سخت و دشوار دارد، تنها حسین بن علی (ع) بود که توانست یاران همدل، هم ایمان، هم هدف، آگاه، مؤمن، مطیع و آماده شهادت تربیت کند. می گویند در کربلا نوجوانی که پدرش به شهادت رسیده بود، خدمت امام حسین (ع) آمد و اجازه میدان خواست، امام اجازه نداد و گفت: همینکه پدرت شهیدشده بس است، برو مواظب مادرت باش، جوان عرض می کند: یا اباعبداللّه، اصلاً این شمشیر را مادرم به کمرم بسته است».آیا چنین آمادگی برای شهادت، آن هم برای یک نوجوان جز این است که امام حسین (ع) برای شهادت و قربانی شدن در راه هدف، برای یارانش یک بینش و درک قوی و فوق العاده داده است که اکثر مردم چنین آگاهی و بینشی ندارند؟یک محقق آلمانی از پیوستن و شهادت حربن یزید ریاحی شگفت زده شده،می نویسد: «فداکاری حربن یزید در راه حسین (ع) پاک ترین نوع فداکاری به شمار می آید،چون از آن نه منظور مادی داشت و نه معنوی. و کامل ترین فداکاری است، زیرا حر بازماندگان خود را هم فدا کرد؛ به طور کلی فداکردن بازماندگان دشوارتر از این است که شخص خود را فدا کند... تصور نمی کنم که در مغرب زمین بتوان واقعه ای نظیر الحاق حربن یزید به حسین (ع) یافت... در مغرب زمین فداکاری متعدد هست، اما به نظرمی رسد کمتر کسانی داوطلبانه بدون این که مجبور باشند، برای ابراز ارادت به دیگری ازمرگ استقبال کنند.»همین محقق معتقد

است که تصـمیم حر یـک تصـمیم ناگهانی نبوده، بلکه مثل نهالی بوده که سال ها جوانه زده و رشـد کرده و درخت تنومنـدی شـده و این در حـالی است که خـود او هم متـوجه نبـوده که فکر گسسـتن از یزیـد و پیوسـتن به حسـین (ع) در خـاطرش قوّت گیرد.این که حر ناگهان پیش وجدانش شرمنده می شود، حکایت از وجدان و ضمیر پاک و حقیقت طلب حر می کند و چنین وجـدانی باید در طول زندگی به رشد و شـکوفایی برسد.یاران و انصار حسـین (ع) از کسانی تشـکیل شده بودند که وجدان و ضمیر حقیقت طلب خود را به رشـد و کمـال نهایی رسانـده بودنـد. تا آمادگی کامل را برای شـهادت و پاک بازی پیـدا کرده بودنـد. بسـیار کسانی بودنـد که بر حقانیت قیام حسـین (ع) باور داشـتند و کوفیان هزاران نامه برای او نوشـتند، ولی چرا با امام شان یک جا قیام نکردنـد و تنها عـده ای معـدود خط سـرخ شـهادت را پیمودنـد؟ چون وجـدان حقیقت طلبشان به کمال لازم نرسـیده بود.امـام حسـین (ع) حتی تـا شب عاشورا هم از امتحان یارانش دست برنـداشت. در شب عاشورا به یاران خود خطاب می کند:«من اصـحابی، از اصـحاب خودم بهتر و اهل بیتی، از اهل بیت خودم فاضل تر سـراغ ندارم، از همه شما متشکرم، اینها جز با من، با شـما کاری ندارند، شـما می توانید بروید، اگر آنها بدانند که شـما خودتان را از معرکه خارج می کنید، احدی به شما کاری ندارد».در آن شب هیچ یک از یاران، حسین (ع) را تنها نگذاشتند. آنان وجدانشان به کمال نهایی رسیده بود و آن شب غسل شهادت کردند. زیرا:هرکه پیمان با هو الموجود بست گردنش

از قید هر معبود رست ما سوی اللّه را مسلمان بنده نیست نزد فرعونی سرش افکنده نیست عقل گوید شاد شود، آباد شو عشق گوید بنده شو، آزاد شو

## پاک باختگی در راه هدف

به راستی که مرگ از دیدگاه امام حسین (ع) و یارانش با نگرش کسانی که دنیا طلبند، چقدر تفاوت دارد:«انّی لا اری الموت الّا السعاده و الحیاه مع الظالمین الاّ برَما؛ من مرگ را، جز سعادت و زندگی با ستمگران را، جز رنج و آزار و ملال نمی بینم».شاید امام حسین (ع) مرگ با عزّت و شرافت مندانه را برای انسان ها تفسیر می کند که این گونه می گوید:«خط الموت علی ولد آدم مخط القلاده علی جید الفتاه و أولهنی الی اسلافی اشتیاق یعقوب الی یوسف؛ مرگ برای فرزند آدم، چون گردن بند در گردن دختر جوان،زینت بخش است و من چون یعقوب که اشتیاق دیدار یوسف را داشت، اشتیاق دیدار گذشتگانم را دارم».شعار امام حسین (ع) هنگام رزم نیز شعاری است که به بشر درس آزادگی می دهد:الموت اولی من رکوب العار والعار اولی من دخول النار- مرگ بهتر از زیر بار ذلت رفتن است و ننگ از داخل شدن به آتش بهتر است.وقتی مرگ برای قاسم (ع) از عسل شیرین تر باشد، وقتی عباس بگوید:«وللّه ان قطعتموا یمینی انّی احامی ابداً عن دینی»و گلوی پاره علی اصغر در این قربانی سهم گیرد. وقتی تک تک یاران حسین (ع) تا نزدیکی غروب عاشورا در میان خون، رقص شهادت کنند. وقتی زینب و اهل بیت حسین (ع) گویاترین پیام رسانان و سفیران حماسه کربلا باشند، باید این حماسه برای همیشه تاریخ جاودانه بماند. زیرا به قول شریعتی: «شهادت دعوتی است به همه عصرها و

به همه نسـل هـا که اگر می تـوانی بمیران و اگر نمی توانی بمیر.».اکنون که قریب ۱۴۰۰ سال است که بشـر هر سال از مکتب عاشورا درسـی می آموزد و همیشه زنـده و جاوید است، زیرا «امام حسـین (ع) با حرکات قهرمانانه خود روح مردم مسـلمان را زنـده کرد، احساسـات بردگی و اسارتی را که از اواخر زمان عثمان و تمام دوره معاویه بر روح جامعه اسـلامی حکم فرما بود، تضـعیف کرد و ترس را ریخت، احساس عبودیت را زایل کرد و به اجتماع اسـلامی شخصـیت داد...معروف است که آلمان ها گفته اند: ما در جنگ دوم همه چیز را از دست دادیم، مگر یک چیز را که همان شخصیت خودمان بود و چون شخصیت خود را از دسـت نـداده بـودیم،همـه چیز را دوبـاره بـه دسـت آوردیـم و راسـت هـم گفته انـد».و به قـول پروفسـور براون مستشـرق انگلیسـی:«آیا قلبی پیدا می شود که وقتی درباره کربلا سـخنی شـنیده می شود، آغشته با حزن و الم نگردد، حتی غیر مسلمانان نیز نمی تواننـد پاکی روحی را که این جنگ اسـلامی در تحت لوای آن انجام گرفت، انکار کننـد».و گانـدی معتقد است:«من چیز تـازه ای برای مردم هنـد نیـاورده ام، آنچـه آورده ام محصـولی اسـت از مطالعـات و تحقیقـاتی که دربـاره تاریـخ زنـدگی قهرمانـان کربلاـ انجـام داده ام، اگر بخـواهیم هنـد را از چنگـال اسـتعمار نجـات دهیـم لاـزم اسـت همـان راهی را بپیمـاییم که اباعبـداللّه الحسـین (ع) پیمود».و امروز پس از آن که انتفاضه فلسـطین به عملیات شـهادت طلبانه دست می زننـد،پیروز خواهند شـد، زیرا این ملّت تازه از حماسه خونین عاشورا درس گرفته انـد. روح و شـهامت ملت فلسـطین تا آن حـد بزرگ شده که به شهادت ایمان آورده اند و خود را

برای شـهادت آماده می کنند و این همان درسی است که انتفاضه فلسطین از کربلا آموخته است. زیرا:خون او تفسیر این اسرار کرد ملت خوابیده را بیدارکردتیغ لا چون از میان بیرون کشید از رگ خویش در باب باطل خون کشید

## هدف متعالی در حماسه عاشورا

اهداف بسیاری از مکتب های انسانی، سرشت نیک دارند. شعار رهایی انسان را ازیوغ اسارت و استبداد نوید می دهد، ولی شیوه هـای عملکرد شان گـاهی فـاجعه های بزرگ رابرای انسان آفریـده انـد. مارکسیسم و فمنیسم، مثلاً دو تفکری است که شعارهای انسانی داده اند، ولی عملکرد مارکسیسم به دیکتاتوری و قتل عام انسان ها منجر شدو دستاورد فمنیسم سبب شد که زن هویت، شرافت و عفت انسانی خود را از دست بدهـد. اما در مکاتب و اندیشه های توحیدی، عملکرد و دستاورد و نتیجه، مطابق هدف بوده و در کربلا هماهنگی هدف، عملکرد و دستاورد، حماسه جاودانه عاشورا را آفرید.

## شیوه های مبارزه در حماسه حسینی

### مبارزه با طاغوت

### امتناع از بیعت

نهضت امام حسـین (ع) با «نه» آغاز شده «نه» در برابر طاغوت زمان یزید که برخلافت اسـلام تکیه زده بود. یزیدی که غرق در لهو و لعب است و شراب، شربت سکر آور زنـدگی اوست، از سیاست چیزی نمی دانـد. با بوزینگان و رقاصان و زنان مغنیّه دمساز است. هرزگی یزیـد، حتی سوهـان روح معـاویه نیز هست، ولی معـاویه بـا کمال، وقاحت و بی شرمی طبق توصیه ابی سفیان، مفاد صلح با امام حسن (ع) را زیرپا گذاشت و یزید را جانشین خود ساخت.یزید می خواهد «حق» پنجه تسلیم در پنجه «باطل» بگذارد و شعور یزید به اندازه معاویه نیست، تا دریابد که چنین کاری شدنی نیست.

### هشدار به امت به خواب رفته

امام حسـین (ع) در عصری به امامت رسـید که اندیشه ها فلج شده بود و سلول های سرطانی مرجئه و جبریه در پیکر اسلام در حال رشد بود. هرقدر مسلمانان از عصر پیامبردور می شدند، خوی و خصـلت های مسلمانی را فراموش می کردند و خصلت های جاهلی در میان آنان زنـده می شـد. در چنین شـرایطی امام حسـین (ع) زنگ خطر را به صدا درآوردکه: «و علی الاسـلام السلام اذا قد بلیت الامه براع مثل یزید».

### حرکت به سوی مکه

حرکت به سوی مکه در راستای هـدف بزرگ امـام (ع) بود، در موسـمی که حاجیـان ازسراسر عالم اسـلام به مکه می آینـد. ناگهان حج را ناتمام گـذاشت. تا به امت بفهمانـد که زنـده کردن روح اسـلام و سیره توحیـدی رسول الله (ص) بزرگ ترین تکلیف الهی است.

### امام و دعوت مردم کوفه

امام (ع) بنا به وظیفه امامت، حضـرت مسـلم را به کوفه فرستاد. اگر امام دعوت کوفه را اجابت نمی کرد، مورخان، امام (ع) را ملامت می کردند.

### اصلاح امت جد

### امر به معروف و نهی از منکر

در عصـری که فرهنـگ امر به معروف و نهی از منکر از میان رفته، در حالی که قرآن مسـلمانان را بهترین امت می دانـد، چون امر به معروف و نهی از منکر می کنند. امام می خواهد با خون این سنت را در جامعه زنده کند.

### زنده کردن سیره جدش

مشـکلاتی که از سـقیفه آغاز شـد، بـدعت های زیادی را به دنبال داشت، و تشـکیلات ضـد اسـلامی اموی، نقش زیادی را در ترویج این بدعت ها داشت و امام علی (ع) که بنی امیه را می شناخت فرمود: بدترین فتنه برای شما، فتنه بنی امیه است.

## استراتژی عملی حماسه عاشورا

### تربیت یاران

معمولاًـ افراد یـک نهضت از میان فعالان و جوانان انتخاب می شونـد، اما در حماسه عاشورا افراد گوناگون نقش داشـتند: زن، مرد، پیر، جوان و کودک، اما همه آنان به مرحله یقین رسـیده بودنـد و راهی را که انتخاب کرده بودنـد باور داشـتند. تربیت تا این مرحله از یقین سـخت است، زیرا موانعی چون عشق به زنـدگی، به خانواده، به دین، و نیز ترس ها،ضـعف ها و... همیشه بر سر راه آدمی است.

### پاک باختگی

مرگ از دید امام حسـین (ع) سـعادت و از دید یارانش شیرین تر از عسل است و این دیدگاه با کسانی که دنیا را می خواهند، چقـدر تفاوت دارد. چنین انسان هایی حماسه عاشورا را آفریدند و به همین دلیل است که جاودانه باقی مانده اند و امروز ملت فلسـطین با درس گرفتن از حماسه عاشورا، به عملیات های شهادت طلبانه دست می زنند و به شهادت ایمان آورده اند. انتخاب چنین خط سرخی آنان را به پیروزی خواهند رساند.

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹